

عزم و حزم مسلمان ماه را بست و ملا امر است با شماره خدمت و حزم
در بزم بادشاهی طلب بجز سلطان است. سائط لطیف الی بی فضل و سینه بلا شاه
بجز و نیز خردی بطور العلی آفتاب سابه و زرافه الموری غیر الرشید خورشید
زحل نخل و حرمش در کتب هم سالیته جمال و خشنده مثال **فاحلین انشایی**
تقدیرت شرف و بیخیزان سوائف مظهر فیاض و مفرات الطایف جملت
خلاف و ارش ملک سلیمان خار سبیط جهان باطله لوالعرض مظهر کلام
لایفط اطام و ما صدق ملز نظام **انا جملناک خلیفه فی الامم خورشید**
صبح بزمی ماه زحل نخل و دارای خراج کویته مستندی حاصل حاقان فی المظهور و سیه یاد
لی شنبه سلطان لی عدالت و منشاه لی مثال. ممدلساس سؤکت و
جهان نانی مچی آثار عدالت نوبت وانی خورشید عالم حکام و احکام لی تبتا
سلطان سکت در رایت و داراد است. **شمه شجره و جملتک خلاف فی الامم**
شمه شجره و رفعتک فوق بعض مایه راحت امانی سایه حضرت
رحمانی بعضی انواع نغمه خطایا معین کافه خلق و معتقد عامه رعایا
تقدیرت خیرت فلوک ایضاً از نیک زوای مرات صد و در مثال نیکسان ایوان سلیمی
وجود را بطی صورت و ماده مرورت و جودیت سکندر قدرت و دارا را
زندان فرودم فرمان. حضرت الهام و موسی کف محمد خلق و عیسی م جهان دارا نیک
قدر و مساکندای و فرخنده جهان و جهان شمس همایون مکتب مقدم **شمه**
بر سلطان عامر لرب عنایه اندر که مال بروج و وارثان تو بس جهان رفتاری
اولی خطایا بی باج و بیخ ربولوب مکتب ان زمین بر زمین خرام و طلکس دون
نیضام عاشیه سی و اخلاذ قدر و اعمت مار بولور ذات رشیدی و ایض
شرح مبین و معتصم بسبب المیتین درین کزین در بس سائت اقبالی فبا و زواله
مأمون اولسه رماه و ذات محمد صفا نیک کاری و فر فر و زولیات در
بس نواب خزان جهان در فرس مضمون اولسه شکر در **سایه نزلون نغم**
درین نیشاه حیا اردو شیر شردل دارای سکت در خصال آسمانست و لوکین
آسمان برقرار آفتابست و لوکین آفتاب بی زوال **شمه بر سلطان عدالت منش**

زمان سلطنته کجا نیک نام و شرف بی بی در عین زمان که در الام
کفایت و زلف هوشان حور لقا غارت کردی عاشقان لی در فرما اولو است
حیث خاطر لرشی دل بهر و در ان بی نمرده و برین آید کچون در ایما احوالی فرین
و منشوخ **سبت** بجگر و بر سر موقتیه نوار در سر در زمان تو مکر طره جهان
شمه کاه ریا کاشی لی سبب بر کای جنبه ان کچون بهر زمان خوف و خستین
مسئله ای مرض برقان اولمشدر و شجره سیده شمه خلاف و اعدا انما اضط
و هشتدن گرفتار علت خفقان اولمش **سبت** انحرگاه را در زمان معش
کلیت صیب نبار و در بود بر کسب و انما او صباع و طوار ای در ایضه انصافین
بیرون اولد و نچون نزم ایالت و مجلس عبداللنده دندن خیری بر کسب طنضه
دست و فریدون طنیز کورنش و بی در کجا و بسا اولد و نچون انش فراد و طنضه
اولسه عجب کلدر و بهر زمانه حالی خراج و نایون اولد و نچون انش فراد و طنضه
اور کسک کسک در ضرب و شکسته نمیشد رباب و نچون اولد و نچون انش فراد و طنضه
ناله و زار اولد و نچون و نچون و نچون **سبت** بعد عدال نوزنی مکتب ناله
زوبست صادق و نچون نچون نچون و نچون **سبت** در کسک کسک نچون انش فراد و طنضه
بی شرح ایدر ایدر کسک نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون
اشرف انفسی لوح محفوظ کلمات انسانی و ذات نوار قدسی نچون کرامت صاحب
انفسا ذات حلاله سمائی بسط سیاب انوار سمائی و نچون فیوض انوار بر رانی
خاطر عاظمی منظر نظیر عقل فعال و نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون
صدف مشکاف در عدل و خلق کریمی نافذ کسای مشکاف نچون نچون نچون نچون نچون نچون
سبت المواء و الحجاب رای عیسی و الشمس و القمر بحسان انکار انکاری لم
سبت بیخشن نین کلهم و لا جان خدمت با کای مشکاف علی ورف **سبت** حضر
سبت عیسی حسا و اعدای بد نهادی **سبت** نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون نچون
انکسک در و است چون صفا صادق آمد مشهور عالمش کن کار کنی سنا کردون
بچار خوار دست کوبهار رنده دعوی است کلیت ایدر **سبت** نیک **سبت**
الی شوریده حالی بی صفاست و سحاب مدار کف زرخش و در این تیارینه

دولت